



گاهی به آسمان نگاه کن؛ حسین خلعتبری رامی شناسید شما؟

بود؛ افزون بر این که عدد ۹۹ را از طرح ۹۹ نویسیم، روی زمین رانگاه می کنیم. از قهرمانان جنگ که سخن می گویم، تصاویری که در ذهن مخاطب نقش می بندد، مردی است با لباس خاکی و چفیه ای برگردن و اسلحه ای در دست و... اما نه جنگ ما همه اش در زمین بود و نه قهرمانان جنگ ما همه در سنگر و خاکریز زمین بودند. گاهی باید به آسمان نگاه کرد! آری در آسمان غیر از خورشید و ماه و ستاره ها، قهرمانانی را هم می شود یافت که ستاره هادر برابر شان انگشت به لب می ساینند. گاهی باید به آسمان نگاه کرد و مردانی را دید که آرزوهای صدام را روی زمین باطل کردند و بر برنامه فتح چندروزه تهران خط قرمز کشیدند. قهرمانانی که آرش شدند تا تیر هاشان در دور دست ها نیز نگهبان مرزهای ایران باشد. همیشه از قهرمانان زمینی گفته ایم اما حیف است دست ما از مردان آسمانی کوتاه بماند پس این چند سطر را نذر شهدای نیروی هوایی می کنیم و از آرش آسمان ایران، سر لشکر شهید حسین خلعتبری می نویسیم که نامش، پشت یزید مکر تاریخ را می لرزاند. او به واسطه استفاده دقیق از یک نوع موشک، معروف به حسین ماوریک شده و از مشهورترین و ورزیده ترین خلبان های ایرانی بود که دشمن بارها بر در ماندگی در برابر شهامت این فرزند پاک ایران زمین اعتراف کرد. خلعتبری یکی از لیدر های عملیات غرور آفرین کمان ۹۹ و پرواز ۱۴۰ عقاب ایرانی بر فراز عراق... یادآور اسطوره ملی ایران زمین، «آرش کمانگیر» در تعیین مرز های دو کشور ایران و توران



عباس دانشگر شهید ۲۳ ساله مدافع حرم

نمونه ای از جوانان مؤمن انقلابی

«عباس در آخرین روز های قبل از رفتش می گفت بعضی ها می گویند کسانی باید به جنگ بروند که تجربه داشته باشند ولی در این جنگ مانند دفاع مقدس جوانان خط شکن لازم است وعباس یکی از این جوانان خط شکن و فدایی بود.»

شهید عباس دانشگر ۲۳ ساله، یکی از جوان ترین شهدای مدافع حرم حضرت زینب(س) است که بیستم خرداد ماه امسال در نبرد یا زور بست های تکفیری در سوریه به شهادت رسید. یکی از دوستان و همکاران شهید دانشگر، ویژگی ها و خصوصیات این شهید مدافع حرم را اینگونه بیان می کند:

شهید عباس دانشگر نمونه یک جوان مؤمن انقلابی بود و با سن ۲۳ سال سعی می کرد در برنامه روزانه اش حتما مطالعه داشته باشد. قرآن را هر روز حتی نیم صفحه با تفسیر می خواند. عباس به وضع موجود هیچ وقت راضی نبود. در کلاس که با هم بودیم همیشه با اساتید در باره مباحث و دغدغه های علمی مباحثه می کرد و در بحث کلاسی و درسی راضی نبود که به عنوان یک دانشجو بنشیند و فقط جزوه بنویسد، دنبال تحقیق و مسائل نبود.

فیش حقوقی و در چه مقام

عباس روی مسئله بیت المال بسیار حساس بود. در نگهداری وسایلی که تحویلش بود تا جایی که می توانست دقت می کرد و در بسیاری از موارد هزینه های شخصی برای بیت المال خرج می کرد. عباس دنبال فیش حقوقی و مادیات و در چه مقام و تبه نبود و حتی از مبلغ دقیق حقوقش نیز اطلاع نداشت. در هفته ۱۳ الی ۴ شب نماز شب



اطلاعیه

بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم تعاونی مسکن آب و خاک به شماره ثبت ۷۸۲۸ می رساند مجمع عمومی سالیانه شرکت تعاونی روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۴/۲۴ ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰ در محل مجتمع فرهنگی رفاهی رشد واقع در مشهد، خیابان کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۳ برگزار می گردد. لذا دعوت می شود حضور به هم رسانید. توجه: چنانچه عضو محترمی امکان حضور در جلسه فوق را ندارد می تواند نماینده تام الاختیار خود را برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید. (تعداد آرای و کالتی هر شخص غیر عضو تنها یک رای می باشد). بدین منظور متقاضی اعطای نمایندگی به همراه نماینده خود جهت تنظیم و تفویض و کالت نامه به مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی از ساعت ۱۰ الی ۱۳ به دفتر تعاونی به آدرس: کوهرسنگی، کوهرسنگی ۲۹، پلاک ۲۶، زمک سون تلفن: ۳۸۴۰۳۶۴۲ آدرس: مشهد، خیابان کوهرسنگی، کوهرسنگی ۲۹، پلاک ۲۶، زمک سون تلفن: ۳۸۴۰۳۶۴۲

هیئت مدیره شرکت

م/۹۵۱۰۰۲۴

اطلاعیه تاریخ انتشار: ۹۵.۴.۳

مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی مسکن آب و خاک خراسان

بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم تعاونی مسکن آب و خاک به شماره ثبت ۷۸۲۸ می رساند مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی روز پنجشنبه مورخ ۹۵/۴/۲۴ ساعت ۱۷:۳۰ الی ۱۸:۳۰ در محل مجتمع فرهنگی رفاهی رشد واقع در مشهد، خیابان کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۳ برگزار می گردد. لذا دعوت می شود حضور به هم رسانید. توجه: چنانچه عضو محترمی امکان حضور در جلسه فوق را ندارد می تواند نماینده تام الاختیار خود را برای حضور در مجمع و اعمال رای تعیین نماید. (تعداد آرای و کالتی هر عضو ۳ رای و هر شخص غیر عضو تنها یک رای می باشد) بدین منظور متقاضی اعطای نمایندگی به همراه نماینده خود جهت تنظیم و تفویض و کالت نامه به مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی از ساعت ۱۰ الی ۱۳ به دفتر تعاونی به آدرس: کوهرسنگی، کوهرسنگی ۲۹، پلاک ۲۶، زمک سون، تلفن: ۳۸۴۰۳۶۴۲

هیئت مدیره شرکت

م/۹۵۱۰۰۲۴

خرید و فروش آسان در نیازمندیهای خراسان

از عطر خوش جهاد گرو شهید غریب دکتر قربانعلی جوادی پرونده شماره ۴۳ ردیف ۱۹؛ حالا پس از ۳۳ سال

این که قربانعلی دقیقا در چه تاریخی از افغانستان بنده اما او پس از سفر به ایران در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به عنوان دانشجوی سال سوم پذیرفته و مشغول به ادامه تحصیل می شود. سال ۶۰ یا ۶۱ فراخوان کمیته بهداشت و درمان جهاد فارس برای اعزام پزشک، پزشکپار، دانشجوی پزشکی و امدادگر به جبهه و برای یاری رسانی به خط مقدم جهاد علیه دشمن یعنی داوطلب می شود و راه جدیدی را برای ادامه زندگی خود برمیگزیند.

جهادگر شهید قربانعلی جوادی به روایت هم‌زمان در کمیته بهداشت شیراز

نمی دانم چرا پس از ۳۰ سال که از زمان تنظیم این پرونده و نگارش سرنوشت پژوهش این شهید می گذرد اما پاکی و صداقت عجیبی در واژه و از این بر که ها و نوشته ها حس می کنم. از خواندن شان خسته نمی شوم و گاهی هر صفحه را چند بار می خوانم. در ابتدای تمامی این برگ ها این جمله پر معنا و مفهوم امام روح... خودنمایی می کند: «مکتبی که شهادت دار داسارت ندارد و شهید سعید است و شهادت سعادت.»

اجازه دهید با آقای قربانعلی در روایت دوستان و هم زمان بیشتر آشنا شویم، آن جا که در زندگی نامه او این طور آمده است: سخن گفتن از یک شهید کار ساده ای نیست آن هم شهیدی که خود «مهاجر» بوده و در هجرت دنیوی، هجرتی آسمانی را تجربه کرده است. در زندگی دنیا از دیار و کاشانه خود آواره گشته و زندگانی را با مشکلات زیادی پشت سر گذاشته است. برادر شهیدمان قربانعلی جوادی در یکی از روستاهای ایالت غرات کابل چشم به جهان گشود. در ایام کودکی یعنی ۳ سالگی پدر خود را از دست داد و سرپرستی وی را عمویش به عهده گرفت. او علاقه زیادی به درس خواندن داشته است، در دهات کابل به مدرسه ابتدایی رفته و با هوش و ذکاوتی که داشته شاگرد ممتاز می شود و سپس دوره متوسطه را با معدل خوب می گذراند. هم زمان در کنار عمویش به کارگری مشغول می شود. او خودش می گفت: «برای کنکور آمادگی نداشتم با این حال امتحان دادم و رتبه خوبی در رشته پزشکی کسب کردم. قربانعلی تا سال سوم در دانشگاه علوم پزشکی کابل به تحصیل می پردازد و جنگ و اشغال افغانستان توسط شوروی سابق شرایط را به گونه ای رقم می زند که تصمیم به مهاجرت می گیرد و ایران را برای ادامه زندگی انتخاب می کند. (در پرونده سال مهاجرت به ایران و چگونگی حضورش در شیراز درج نشده است) پس از این که شیراز را برای سکونت برمیگزیند در کمیته بهداشت و درمان جهاد استان فارس با عنوان پزشکپار روستایی مشغول کاری می شود. او در روستاهای اطراف شیراز در قالب اکیپ های سیار پزشکی و در مانگاه ها به مردم خدمت رسانی می کند. قربانعلی هم زمان نیز در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به عنوان دانشجوی سال سوم پذیرفته و مشغول تحصیل می شود.

او تا زمان شهادت در عملیات های مختلفی به ویژه شکست محاصره آبادان، بستان، شوش و آخرین عملیات در حمله بیت المقدس حضور می یابد و البته در همین عملیات نیز به درجه رفیع شهادت و آن چه آرزویش بوده نائل می آید و پیکر مطهرش در گلزار شهدای بهشت



ر ضاع) مشهد به خاک سپرده می شود.

امام را از قبل از انقلاب می شناختم

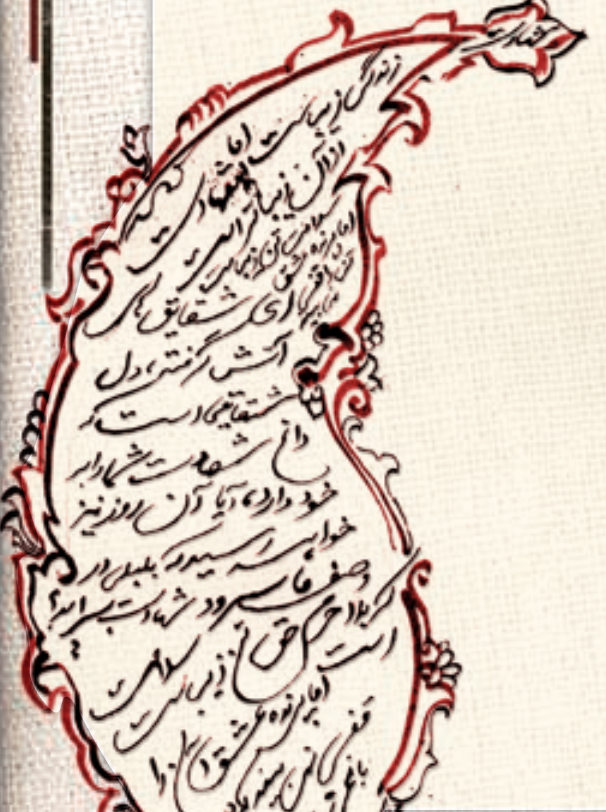
اگر چه عظمت روح نازآرام و دنیای پر رمز و راز قربانعلی و مهاجرت از فرش تا عرش او در قالب این کلمات نمی گنجد و به سختی می توان از روش و منش یک پزشک که مسیر سعادت دنیا و آخرت را با اراده ای پاک و مقدس طی طریق کرده نوشت، اما در کلمات او در آن چه دوستان و هم زمانش روایت کرده اند، این عظمت روح و این اراده مقدس خودنمایی می کند. هم زمان روح می گویند وقتی از قربانعلی در باره حضرت امام روح... و انقلاب اسلامی ایران و موضوع ملیت پرسیده می شد، می گفت: قبل از این که در ایران انقلاب اسلامی رخ دهد من آیت... خمینی(ره) را می شناختم و مقلد ایشان بودم. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی است که تمام مستضعفان جهان را بیدار و از اسارت استعمارگران آزاد کرد. معتقدم این انقلاب زمینه ساز ظهور انقلاب حضرت مهدی (عج) است. «هم زمان قربانعلی می گویند بارها از زبان او می شنیدیم که می گفت: «ملیت برای من مطرح نیست و ایران و چه افغانستان هر دو یکی است و راهمان اسلام است و کتاب مان قرآن و پیغمبر مان حضرت رسول(ص). من باید در ایران شهید شوم و یا اخذ مدرک دکترای بنوانم برای ارائه خدمات بیشتر به مردم مظلوم افغانستان به کشورم بروم و در راه دفاع از وطن در برابر دشمن به شهادت برسم.»

وقتی پدرم از دست دادم...

قربانعلی خود در خاطراتش چنین می گوید: «وقتی که پدرم از دست دادم در محله ما مردم به افراد بی بضاعت و مستمند صدقه و خیرات می دادند ولی من خدا را شکر می کنم که تا سن بیست و سه سالگی با این همه زندگی پر پرح و مشقت از صدقه و خیرات مردم استفاده نکردم.»

برگ های پرونده آقا قربانعلی جوادی به صفحات آخر رسید و من مانده ام با یک حس غریب و این پرسش که در تمام این سال ها چرا نام (قربانعلی جوادی) این رزمنده افغانستانی عاشق در برگ های این پرونده در حبس مانده است!

پرونده جهادگر شهید دکتر قربانعلی جوادی به شماره ۴۳ شهرستان مشهد- ردیف ۱۹ را به آقای اکبرزاده کارشناس اداره امور ایثارگران جهاد تحویل می دهم و او پرونده را به قفسه بایگانی می سپارم و من می مانم و سنگینی واژه های غریب آقا قربانعلی مهاجر افغانستانی که طریق آسمان را در هجرت دنیا به خوبی یافت...



نویسنده: مصطفی شعبی

گلپهار

وزارت راه و ترابری

شرکت مافز تخصصی عمران شهرهای جدید

شرکت عمران شهر جدید گلپهار

شرکت عمران شهر جدید گلپهار وابسته به وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد پروژه ذیل را

از طریق مناقصه عمومی و پس از ارزیابی کیفی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید:

(۱) موضوع مناقصه: احداث مسجد محله ۱۱ شهر جدید گلپهار

(۲) مبلغ برآوردی مناقصه: ۶۲۶/۵۳۸/۸۸۹/۴۸۸ ریال

(۳) مدت زمان انجام کار: ۶ ماه

(۴) شرایط مناقصه گر: حداقل پایه ۵ رشته ابنیه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

(۵) مهلت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۳۹۵/۰۴/۰۸

(۶) آخرین مهلت عودت اسناد تکمیل شده: ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۱۹

(۷) جلسه بازگشایی اسناد: ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۹۵/۰۴/۲۰

(۸) مهلت تضمین شرکت در مناقصه: ۲۴۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال بوده که می بایست بصورت

ضمانت نامه معتبر بانکی و یا چک تضمین شده بانکی در وجه شرکت عمران شهر جدید گلپهار

تهیه و به دستگاه مناقصه گزار تحویل گردد.

(۹) مبلغ خرید اسناد مناقصه فوق ۳۰۰/۰۰۰ ریال بوده که می بایست به حساب شماره

۰۰۷/۶۹۱۷۴۳۶۸۷۷ بانک مسکن شعبه گلپهار بنام شرکت عمران شهر جدید گلپهار واریز

و رسید آن تحویل دستگاه مناقصه گزار گردد.

(۱۰) بابت انجام پروژه فوق هیچگونه وجهی بعنوان تعدیل پرداخت نمی گردد.

(۱۱) لازم بذکر است از مبلغ پیمان معادل ۷۰ درصد آن بصورت زمین و یا واحد ساخته شده و

۳۰ درصد آن وجه نقد پرداخت می گردد.

(۱۲) محل خرید اسناد مناقصه و تحویل اسناد تکمیل شده: کیلومتر ۳۵ جاده مشهد- قوچان

-شهر جدید گلپهار- بلوار ابن سینا- میدان ابن سینا- شرکت عمران شهر جدید گلپهار

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید گلپهار

۱۳۹۵/۰۴/۱۳

CMYK